

فلسفه باز بودن درهای رحمت در رمضان المبارک



حجت‌الاسلام والمسلمین امیرعلی حسینی
مدیر گروه تاریخ و سیره مرکز مطالعات و پاسخوئی به شبهات حوزه‌های علمیه

رحمت خداوند و عنایات او به حال بندگان، دارای درجات و مراتبی است. این مراتب و درجات براساس مراتب شناخت و معرفت و اعمال و رفتار انسان هاست، رحمت عامه و رحمت خاصه و همچنین رحمت اخص و ویژه و قسم‌های خاص دیگر نیز می‌توان بر آن افزود، چنان‌که ایمان بشر و شناخت او دارای مراتب است؛ معرفت و عبودیت و شناخت خداوند دارای مراتب و بله‌های مختلف است؛ رحمت عامه خداوند همیشه شامل حال همه انسان‌ها و همه بندگان و بلکه به همه هستی و اشیا و موجودات است؛ چراکه براساس بینش قرآنی، تسبیح برای همه موجودات است؛ یعنی همه موجودات حس دارند و خداوند را تسبیح می‌کنند: «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»؛ از این نظر، وسعت رحمت پروردگار عالم بر همه موجودات است؛ چراکه تسبیح او می‌کنند، بنابراین باب رحمت همواره به روی بندگان باز است؛ چنان‌که باب اجابت هم با مقدمات و شرایطی برای همگان باز است. اگر باز نباشد، زندگی مختل خواهد شد. شرط حیات همه عوالم هستی، عنایات پیوسته و توجه لاینقطع پروردگار است. همین نفس کشیدن و جنبش و حرکات و فعالیت همه انسان‌ها به اقتضای رحمت عامه الهی است؛ وگرنه در یک لحظه که این رحمت عامه، قطع و ارتباط بریده شود، حیات بی‌معنا می‌شود؛ چون اصل حیات همه هستی و کاینات و عوالم وجود، بسته به عنایت و رحمت عامه پروردگار است.

ماه مبارک رمضان به حسب آنچه اهل معرفت می‌گویند، ماه سلوک الی‌...تعالی و دار ضیافت... است. به حسب روایتی که از امام صادق^(ع) نقل شده است، کتب آسمانی از تورات و انجیل و زبور تا قرآن، همه در ماه مبارک رمضان به پیامبران الهی نازل شده است. یعنی این ماه، ماهی است که خداوند با بندگان سخن گفته و آن‌ها را مشمول عنایت خاص و توجه ویژه قرار داده است.

این از اسرار الهی است که باید شناخته شود. لذا درباره ماه مبارک رمضان این توجه خاص است که «إِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تُفْتَحُ فِي أَوَّلِ لَيْلِهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ»؛ تمام درهای آسمان، از شب اول ماه رمضان تا آخرین شب باز شده است. در روایت «درها» آمده است. این تعبیر «ابواب» که در اینجا است، این یعنی چه؟ در روایتی از امیرالمؤمنین علی^(ع) آمده است: «أَلَا وَابْوَابُ السَّمَاءِ مُفْتَحَةٌ مِنْ أَوَّلِ لَيْلِهِ مِنْهُ، أَكَّاهَ بَأَشِيدٍ كَهَذَا السَّمَانِ -تعبیر به «ابواب» می‌کند- از شب اول ماه مبارک رمضان باز است»؛ یعنی تمام حُجُب و پرده‌های اجابت از ناحیه خداوند برای انسان و بلکه همه هستی، برداشته می‌شود. در این ماه دیگر هیچ رده و حجابی و هیچ دری به روی بندگان بسته نیست؛ تمام درهای عنایات ویژه باز است. ساده‌تر بگوییم، هر تقاضایی، چه مادی و چه معنوی، به درگاه ربوبی می‌رسد و به هیچ مانعی از آن ناحیه برخورد نمی‌کند؛ چون ابواب آسمان باز است. این را کسی گفته است که ابواب علم هستی و باب علم نبی^(ص) است؛ درواقع حضرت رمزگشایی کرده‌اند.

نتیجه این باز بودن ویژه درهای آسمان چیست؟

نتیجه آنکه این تقاضاها در این ماه ای جواب نمی‌ماند. به تعبیر روز، هیچ داعی به بایگانی نمی‌رود، بلکه مستقیم به دست خودش می‌رسد؛ مستقیم خودش می‌شوند. امام علی^(ع) در مناجات شعبانیه بیان می‌کنند: «وَأَسْمِعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَأَسْمِعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا تَخَيَّيْتُكَ»؛ لذا تردیدی نیست که هیچ‌کدام از این درخواست‌ها بدون جواب نخواهد ماند!

در روایتی از پیغمبر اکرم^(ص) و در خطبه‌ها و سخنان دیگر نیز هست که امام علی^(ع) این نکته را از آن حضرت آموخته‌اند که حضرت رسول^(ص) در خطبه جمعه آخر شعبان فرمودند: «وَدَعَاكُمْ فِيهِ مُسْتَجَاب»؛ یعنی دعای شما در ماه مبارک رمضان پذیرفته است. این دعاها مستجاب است و بی‌جواب نمی‌ماند. اما جواب چیست؟ آن وقت امام علی^(ع) می‌گویند: «أَلَا وَاللَّعَاءُ فِيهِ مَقْبُولٌ»؛ جواب‌ها همه مثبت است. هیچ جواب منفی در کار نیست. هیچ داعی جواب منفی ندارد، پس سزاوار است که به این موضوع در همین اوایل ماه رمضان توجه کنیم و فرصت‌ها را غنیمت شماریم و از دست ندهیم.

چطور با خدا سخن بگوییم؟

خدا در این فرصت، مأموران خاص برگزیده و از طریق آنان پیام‌های خاص داده است که باید با همان زبان‌ها با ذات باری تعالی سخن بگوییم که یکی از آن زبان‌ها، زبان قرآن کریم است. تلاوت هر آیه در این ماه، هم‌وزن تلاوت و خواندن تمام قرآن، اثر معنوی و اصلاحی دارد.

قرآن، کتاب زندگی است که ما به‌اشتباه آن را محدود به مجالس تحریم کرده‌ایم. سزاوار است در این ایام به قرآن توجه ویژه کنیم و به مفاهیم معرفتی و رموز آن پی ببریم؛ چنان‌که امیرالمؤمنین^(ع) درباره قرآن فرمودند: «شمارا به خدا، شمارا به خدا، درباره قرآن توجه کنید که در عمل به آن، کسی بر شما سبقت نگیرد». تأکید حضرت نیز دارای حکمت‌های فراوانی است. بنابراین باز بودن درهای آسمان در این ماه، ویژه و برای همه است، لذا در این ایام که مانند برق زودگذر است، غفلت نورزیم، با خداوند ارتباط ویژه برقرار کنیم و با زبان قرآن و مناجات اهل بیت پیامبر^(ص) با او سخن بگوییم.

برادران غریب

حمیده ذاکری! همه ما با هر فکر و عقیده‌ای، تفاوت‌های زیادی با یکدیگر داریم؛ از اختلاف‌ها و تفاوت‌های کوچک مثل ذائقه غذایی و رنگ دوست‌داشتنی مان گرفته تا تفاوت‌های بزرگ‌تری مثل تفاوت در سبک زندگی و کوشش و آداب و رسوم محلی و خانوادگی مان. با این حال همه ما نقاط اشتراک زیادی هم داریم که با وجود آن‌ها با دلگرمی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنیم و هم‌دل و همراه هستیم. تکیه بر نقاط مشترک راهگشاست؛ خصوصاً وقتی که دشمن نقاط اختلاف را بزرگ می‌کند. آن قدر که نقاط مشترک بی‌شمار به چشم مان نیاید. کتابی که امروز به شما معرفی می‌کنیم، به یکی از عظیم‌ترین نقاط اشتراک و مایه همدلی و همراهی ما اشاره می‌کند، وجود پربرکت امام هشتم^(ع). کتاب «برادران قریب» از ارتباط نزدیک شیعه و اهل سنت می‌گوید.

«می‌گفت: من هر سال، چهاربار به زیارت امام رضا^(ع) می‌روم. وقتی خردسال بودم، به بیماری لاعلاج مبتلادم. پدرم نذر کرد و من را به زیارت امام رضا^(ع) برد تا اینکه شفا پیدا کردم. من زندگی خود را مدیون کرامت امام رضا می‌دانم. برای مدتی

کامل گنج بودم که چطور یک اهل سنت

تا این اندازه به امام رضا^(ع) ارادت

دارد و از ایشان برای بیماری اش

شفا گرفته است. در حالی که اصلاً

فکر نمی‌کردم امام رضا^(ع) بیماران

اهل سنت را هم شفا بدهد. اینجا

بود که فهمیدم نه تنها ذنیت من

نسبت به اهل سنت، بلکه نسبت به

امام رضا^(ع) اشتباه بوده است.»

«برادران قریب» را حامد رضایی

نوشته و نشر آرما منتشر کرده

است. او سعی کرده است ما را از

پیش قضاوت‌هایی که در مورد

اهل سنت داریم، دور کند و به

شباهت‌های فرهنگی و اعتقادی دو

مذهب در قالب خاطره اشاره کند. در

کتاب می‌خوانیم چطور نگاهمان به

اهل سنت را تغییر دهیم.



بررسی آموزه‌های ولایتعهدی امام رضا^(ع) در گفت‌وگو با استاد تاریخ اسلام

«رضا» به مصلحت باشیم

آئنه مستقیم! ماجرای ولایتعهدی امام رضا^(ع) از آن نقاط عطف تاریخی است که علاوه بر تأثیری که بر جغرافیای زمان و مکان خود گذاشته، در طول زمان توانسته است به حیات و بقای شیعه و تثبیت خط امامت، کمک چشمگیری کند. در سالروز اعلام این واقعه و در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین جواد سلیمانی، عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی^(و) و استاد تاریخ اسلام، به ابعدادی از این اثرگذاری پرداخته‌ایم.

تبدیل تهدیدها به فرصت

نکته دیگر آنکه در بسیاری از تهدیدها، فرصت‌های مطلوب نهفته است، مثل ولایتعهدی که اگرچه در ابتدا باعث شد امام به اشراق‌گیری و قدرت طلبی همراه بود و سرانجام به شهادت امام رضا^(ع) ختم شد. اما امام با شرکت در جلسات مناظره، جریان شیعی را تقویت و شجره امامت را تثبیت کردند. امروز هم چنین است و ما با تهدیدهای بسیار از سوی دشمن مواجهیم که در دل آن‌ها فرصت‌های بی‌شمار نهفته است، فقط باید بدانیم چطور از آن‌ها استفاده کنیم.

چاره‌ای جز شهادت نماند

در زمان مأمون و ماجرای ولایتعهدی که امام رضا^(ع) در مناظرات رسماً فرمودند امامت به ما تعلق دارد، بار دیگر امامت اهل بیت^(ع) اعلان و باعث شد اعتقادات شیعه از فراموشی، رها و مجدداً بیان و تثبیت شود. مأمون که می‌دید مرجعیت و شخصیت علمی امام رضا^(ع) نه تنها زیر سؤال نرفته، بلکه تثبیت هم شده است و حضرت در بین مردم، محبوبیت بیشتری یافته‌اند و ولایت و حاکمیت اهل بیت^(ع) را تثبیت می‌کنند، این موضوع را تهدید علیه خلافت خود می‌دانست و نتوانست وجود مقدس امام^(ع) را تحمل کند و نهایتاً ایشان را به شهادت رساند.

شریک تراشی خلیفه برای خود در ظلم و جنایت

مأمون با اجرای نقشه‌هایش می‌کوشید با ولایتعهدی امام رضا^(ع)، ایشان را هم در گناهان و خطاهای خود شریک کند و اشتباهات و ظلم‌های خودش را به نام حضرت تمام کند تا این چنین، قداست و محبوبیت ایشان از بین برود. حضرت علی بن موسی الرضا^(ع) در پی تهدید مأمون، به ناچار این ولایتعهدی را پذیرفتند اما شرطی گذاشتند که همه نقشه‌های خلیفه عباسی را نقش بر آب کرد. ایشان فرمودند: من در هیچ‌کدام از امور و کارهای دولتی و عزل و نصب‌ها دخالت نمی‌کنم.

فلسفه ولایتعهدی

مسئله ولایتعهدی امام رضا^(ع) یکی از مسائل بسیار مهم و عبرت‌آموز در تاریخ اهل بیت^(ع) است؛ چون خلیفه عباسی بعد از سال‌های متمادی تجربه و علم به اینکه بازندان و شکنجه‌و شهادت اهل بیت^(ع) نه تنها از میزان نفوذ آن حضرات کم نمی‌شود، بلکه بیشتر در قلب‌ها اثر می‌کنند و محبوب مردم می‌شوند، برای آنکه آن‌ها را به عنوان رقیب دینی سیاسی خود کنار بزنند، دست به توطئه ولایتعهدی حضرت ثامن الحجج^(ع) زد!

تلاش برای ترور شخصیتی اهل بیت^(ع)

این نقشه در حالی طراحی شد که خلفای عباسی خود را جانشین پیامبر^(ص) می‌دانستند و با اهل بیت^(ع) که این جایگاه متعلق به آن‌ها بود، مقابله و دشمنی می‌کردند اما مأمون که فردی زیرک و بسیار باهوش بود، به این نتیجه رسید که مقابله با خاندان رسالت دیگر از طریق شکنجه، زندان و به شهادت رساندن اثر ندارد، بلکه کوشید در برنامه‌ای حساب شده به مردم بقبولاند که تصور ذهنی شما درباره اهل بیت^(ع) مثل مرجعیت علمی آن‌ها یا ارتباطشان با ملکوت، اشتباه است.

تثبیت مرجعیت علمی در مناظرات

نکته مهم آنکه امام رضا^(ع) از شرایط به‌وجودآمده برای تقویت جبهه علویان و شیعیان استفاده کردند و کوشیدند آن‌ها را زیر فشار و ظلم عباسیان خارج کنند. مأمون دنبال این بود که با برگزاری جلسات مناظره با حضور بزرگان ادیان و سران مکاتب، مرجعیت علمی امام رازیر سؤال ببرد، ولی عالم آل رسول^(ص) نه تنها در همه مناظرات پیروز میدان بودند، بلکه توانستند جایگاه علمی خود را تثبیت کنند و بگویند که خلافت از آن اهل بیت^(ع) است.

تسلیم مصلحت

ماجرای ولایتعهدی امام رضا^(ع) علاوه بر تأثیراتش بر حیات و بقای شیعه، نکات آموزنده بسیار برای امروز ما دارد؛ نخست آنکه بدانیم گاهی مصلحت اقتضا می‌کند شخصیتی مثل امام معصوم^(ع) در برابر خلیفه جائز و ظالم وارد شود؛ چنان‌که امام رضا^(ع) برای حفظ مصالح اسلام چنین کردند؛ چون اگر ولایتعهدی را نمی‌پذیرفتند، به شهادت می‌رسیدند و همین برای جامعه اسلامی به ویژه شیعیان، چالش‌های جدی ایجاد می‌کرد.

اعلام امامت اهل بیت^(ع)

بعد از جنگ صفین و نهر و ان که امیرالمؤمنین^(ع) به عنوان حاکم و خلیفه مسلمین به امامت خود و غصب خلافت الهی تصریح می‌کردند، در دوران دیگران^(ع) به قدری اختناق بود که آن‌ها نمی‌توانستند بگویند امامت و خلافت از آن ماست. تنها زمانی کوتاه در دوران امامت امام صادق^(ع)، این فرصت فراهم شد اما با روی کار آمدن منصور بازهم خفقان و فشار علیه کرد و حکومت با هرگونه اظهار به امامت مقابله می‌کرد.

تابع امام باشیم

ورود امام رضا^(ع) به دستگاه خلافت، موجب تقویت جبهه شیعی و تثبیت جایگاه امامت شد. امروز نیز چنین است. گاهی مصلحت اسلام و مسلمین اقتضا می‌کند که امام مسلمین اجازه دهد شخصیتی برود با کسوری که مستکبر و ظالم است، وارد مذاکره شود. امروز هم در مقابل شیعه در طول تاریخ از بین می‌رفت، لذا هرگاه ولی فقیه مذاکره و قرارداد و تفاهم را مصلحت بیندند و به آن اذن دهند، باید تن دهیم و اجابت کنیم.

بصیرت داشته باشیم

نکته مهم دیگر، داشتن بصیرت است. برخی شیعیان معاصر امام رضا^(ع) با گونه فکری، برای این پذیرش به حضرت گلایه و شبهه ایجاد کردند. در حالی که ما باید به حکمت کارهای امام معصوم^(ع) اعتقاد داشته باشیم. امروز هم در مقابل تصمیم‌های ولی فقیه نیازمند بصیرت هستیم تا با حسن ظن و همراهی، جبهه حق تقویت و باطل تضعیف و منزوی شود.



حجت‌الاسلام والمسلمین سلیمانی:
در زمان مأمون و ماجرای ولایتعهدی که امام رضا^(ع) در مناظرات رسماً فرمودند امامت به ما تعلق دارد، بار دیگر امامت اهل بیت^(ع) اعلان شد

دست‌های بخشنده‌او

سمانه رضوائی‌امی‌گویند اگر می‌خواهی محبت خدا را درک کنی، محبت مادر به فرزندش را ببین؛ عشق بی‌حد و حصر، فداکاری، چشم‌پوشی از خطاها و...

بعدتر می‌گویند حالا این را که دیدی، ذره‌ای از محبت خدا به بنده‌اش است.

من شاید تا قبل مادر شدن نمی‌فهمیدم ولی وقتی مادر شدم، تازه انکار چشیدم...

یک وقت‌هایی دخترم را آن قدر صدا می‌کنم که تگران می‌شوم نکند شوای‌اش می‌مشکل داشته باشد ولی این طور نیست.

امان از روزی که دستش زیر سنگ من گیر کرده باشد و کاری داشته باشد! همان گوش‌ها تیز می‌شود و دنبال جواب است. می‌بینم دلم نمی‌آید مثل خودش رفتار کنم؛ همین که اشک در چشم‌هایش حلقه بزنند، تیر آخر است.

خوب که نگاه می‌کنم، می‌بینم مایه‌ها نیز گاهی همین هستیم؛ وقتی حاجتی داریم، داعی داریم، بقیه خدا را می‌چسبیم که باید مستجاب شود: «خدا یا! حاجت من را بده» یا «دیگر نه من، نه تو».

ولی وقتی خرمان از پل گذشت، حالا خدا صدا می‌زند و ما انکار نمی‌شویم. خودمان را می‌زنیم به آن راه. تبلی می‌کنیم. خدا به ما روزی می‌دهد. بعد کسی را می‌فرستد که بخشی از رزقت را با این بنده من هم تقسیم کن. آن وقت بخیل می‌شویم.

امام سجاده^(ع) در دعای ابو حمزه، قشنگ این قصه را می‌گوید:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَذْعَوْهُ فِیْ حَبِیْنِیْ وَ اِنْ کُنْتُ بَطِیْنًا حِیْنَ یَذْعُوْنِیْ؛

ستایش خدای را که من او را می‌خوانم و او اجابت می‌کند؛ هر چند وقتی که او مرا می‌خواند، کندی و کاهلی می‌کنم.

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَسْأَلُهُ فِیْ غَطِیْنِیْ وَ اِنْ کُنْتُ یَحِیْلًا حِیْنَ یَسْتَقْرِضُنِیْ؛

و ستایش خدای را که چون از او چیزی درخواست کنم، به من عطا می‌کند؛ هر چند هنگامی که او از من قرض می‌خواهد، من بخل می‌ورزم.